



آنا تومی یك دشمنی

جهان چگونه نشانه‌های حرکت به سوی فاجعه در روابط آمریکا و روسیه را نادیده گرفت؟



محمدحسین لطف‌الهی
خبرنگار بین‌الملل

انتشار ۳ سند جدید از گفت‌وگوها و ملاقات‌های جورج دبلیو بوش و ولادیمیر پوتین، رؤسای جمهور وقت ایالات متحده و روسیه در بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ نشان می‌دهد رابطه واشنگتن و مسکو چگونه از رابطه‌ای در ظاهر دوستانه به رابطه‌ای خصمانه و تنش‌آلود بدل شد.

چگونگی انتشار این اسناد، داستانی پیچیده و طولانی دارد. اسوتلانا ساورانسکیا، مدیر برنامه‌های روسیه در «آرشیو امنیت ملی» ایالات متحده، نهادی غیرانتفاعی و غیرحزبی مستقر در دانشگاه جورج واشنگتن است که تاکنون کتاب‌ها و مجموعه‌های مرجع متعددی را درباره تاریخ روابط ایالات متحده با شوروی و روسیه منتشر کرده، در نوامبر ۲۰۲۳ با اسناد به تحقیقات گسترده خود بر روی یادداشت‌ها و کتاب‌های موجود در کتابخانه ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش در دالاس، و همچنین با بهره‌گیری از وب‌سایت رسمی کاخ کرملین (که اغلب خلاصه‌ای از دیدارها را منتشر می‌کرد)، درخواستی جامع را بر اساس «قانون آزادی اطلاعات» به ثبت رساند. هدف از این درخواست، دریافت متن کامل تمامی مکالمات میان ولادیمیر پوتین و جورج دبلیو بوش در دهه ۲۰۰۰ بود. با این حال، پاسخ دریافتی در ژوئن ۲۰۲۴ ناامیدکننده بود؛ کتابخانه جورج دبلیو بوش به «آرشیو امنیت ملی» اطلاع داد که «بهترین برآورد ما این است که فرآیند بررسی خروج از طبقه‌بندی برای این درخواست ممکن است حدود ۱۲ سال به طول انجامد.»

در واکنش به این تعلل، «آرشیو امنیت ملی» با کمک شرکت حقوقی گودوین پراکتر در نوامبر ۲۰۲۴ شکایتی را نزد دادگاه فدرال ارائه کرد تا به تخمین ۱۲ ساله برای رسیدگی به درخواست‌های آزادی اطلاعات اسناد ریاست جمهوری که در اختیار اداره بایگانی و سوابق ملی آمریکا است، اعتراض کند. در پی این اقدام حقوقی، اداره بایگانی و سوابق ملی آمریکا روند پردازش اسناد را در سال ۲۰۲۵ تسریع کرد و پس از اطلاع‌رسانی به بوش، رئیس جمهور سابق و دونالد ترامپ، رئیس جمهور فعلی (جهت بررسی احتمال مخالفت)، سرانجام در ۲۲ دسامبر، اعلام کرد که امکان انتشار اسناد وجود دارد. در این گفت‌وگوها میان رؤسای جمهور آمریکا و روسیه درباره طیف گسترده‌ای از موضوعات شامل ائتلاف ناتو، فروپاشی اتحاد شوروی، جنگ افغانستان، توافق‌های منع اشاعه و اوکراین صحبت‌هایی مطرح شده که هر کدام نشان‌دهنده نگاه طرفین در آن مقطع زمانی و همچنین تغییرات در نوع رابطه میان آمریکا و روسیه در گذر زمان است.

▼ ۲۰۰۱؛ تعارف‌های دوستانه در موضع ضعف

نخستین سندی که از طبقه‌بندی خارج شده، متن گفت‌وگوهای بوش و پوتین در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۱ در قلعه برادو اسلونی است. شروع گفت‌وگوها به خوبی نشان می‌دهد که چگونه جورج دبلیو بوش و پوتین کوشیدند با تکیه بر ظرفیت دیپلماسی شخصی فضا را تغییر دهند و نوعی اعتماد متقابل برای پیشبرد گفت‌وگو ایجاد کنند. بر اساس این سند، در آغاز این دیدار که مجموعاً ۱ ساعت و ۴۰ دقیقه به طول انجامید، پوتین از بوش سوال می‌کند که سفرش چگونه بوده است. در پاسخ به این پرسش، بوش ضمن ابراز نگرانی از وجهه خود در اروپا، با صراحتی غیرمعمول خطاب به پوتین اعتراف می‌کند: «مردم تصور می‌کردند من یک انزواگرا هستم و اهمیتی برای اروپا قائل نیستم. شاید خاستگاه نگرانی من آن‌ها را آزار می‌دهد.» بوش در ادامه اهمیت این دیدار را فراتر از پروتکل‌های دیپلماتیک توصیف کرده و می‌گوید: «من این مطلب را علنی نخواهم گفت، اما این مهم‌ترین جلسه در کل سفر من محسوب می‌شود. همه در حال تماشا هستند.»

رئیس جمهور وقت آمریکا برای این که فضایی دوستانه‌تر در جلسه ایجاد شود، بلافاصله بعد از جملات بالا از پوتین درباره یک ماجرای شخصی سوال می‌کند: «امن کتاب شما را خوانده‌ام، می‌دانم که همیشه یک صلیب را همراه خود نگه می‌دارید.» در پاسخ، پوتین ماجرای نجات معجزه‌آسای صلیب شخصی‌اش از آتش سوزی ویلای خود را برای بوش بازگو کرد.

در ادامه، بخش عمده‌ای از مذاکرات به بحث و تبادل نظر درباره پیمان موشک‌های ضدبالستیک (ABM) اختصاص یافت.

پیمان موشک‌های ضدبالستیک (ABM) توافقی تاریخی میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بود که با هدف محدود کردن سیستم‌های دفاعی در برابر موشک‌های بالستیک هسته‌ای، در ۲۶ مه ۱۹۷۲ در مسکو توسط ریچارد نیکسون و لئونید برژنف به عنوان بخشی از مذاکرات محدودسازی جنگ افزارهای استراتژیک (سالت ۱) امضا شد.

هدف اصلی از امضای این پیمان، جلوگیری از رقابت تسلیحاتی



فرصت بزرگ ترامپ برای تعامل مجدد با کیم

در آستانه سفر دونالد ترامپ به کره جنوبی، در ماه گذشته، گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال دیدار مجدد او با کیم جونگ اون بالا گرفت. در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، این دو سه بار دیدار کردند و ترامپ حتی قدم به خاک کره شمالی گذاشت. اما پس از آن، پیونگ‌یانگ مذاکرات را به کلی رد کرد و ضمن تحکیم اتحاد جدید با روسیه، برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را با سرعتی چشمگیر گسترش داد. با این حال، ترامپ در دوره دوم خود همچنان کره شمالی را یک «ملت هسته‌ای بزرگ» توصیف کرده و بر «رابطه بسیار خوب» خود با کیم تأکید ورزیده است. او حتی اوایل امسال پیشنهاد داد که «احتمالاً در مقطعی مناسب با او صحبت خواهم کرد» و آزمایش‌های موشکی اخیر پیونگ‌یانگ را کم‌اهمیت جلوه داد. این تمایل غریزی رئیس جمهور، با توجه به چالش‌های هسته‌ای جهانی و اتحاد رو به رشد مسکو-پیونگ‌یانگ، فرصتی حیاتی برای ایالات متحده فراهم می‌کند تا مانع تشدید خطرات شود. اگر چه تیم ترامپ در ماه‌های نخست هنوز مسیر مشخصی برای تعامل ایجاد نکرده، اما اوایل سال آینده می‌تواند بهترین زمان برای یک تحرک تازه باشد. با سخت‌تر شدن موضع کیم نسبت به گذشته و بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های قبلی، ترامپ برای ایجاد شتاب نیاز به تدوین خط مشی سیاسی جدیدی دارد که بازگشت به میز مذاکره را برای کیم آسان‌تر و موجه‌تر سازد.

گذار از «خلع سلاح هسته‌ای» به «هم‌زیستی» کارشناسان و حتی برخی مقامات سیاسی استدلال می‌کنند که واشنگتن باید چارچوب «هم‌زیستی پایدار» را جایگزین «خلع سلاح هسته‌ای» کند. این رویکرد بر پیشگیری از درگیری و پذیرش عدم تمایل به تغییر رژیم کره شمالی به عنوان اولویت اصلی تمرکز دارد. لی‌جانگ-میونگ، رئیس جمهور کره جنوبی، و کیم جونگ اون نیز تئوچا نسبت به این ایده ابراز تمایل کرده‌اند. کیم در سپتامبر صراحتاً اعلام کرد که اگر آمریکا از پیگیری «پوچ» خلع سلاح دست بردارد، او آماده هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است.

با این وجود، بیانیه‌های رسمی اخیر آمریکا و کره جنوبی مانعی بزرگ ایجاد کرده‌اند. در بیانیه ۱۳ نوامبر، بر «خلع سلاح هسته‌ای کامل جمهوری دموکراتیک خلق کره» تأکید شد. این تغییر واژگان بسیار مهم است؛ کره شمالی از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۸ گهگاه عبارت کلی‌تر «خلع سلاح شبه‌جزیره کره» را می‌پذیرفت، اما عبارت «خلع سلاح کره شمالی» را مترادف با خلع سلاح یک‌جانبه و انکار موجودیت خود می‌داند. پیونگ‌یانگ این بیانیه را «اعلامیه‌ای تقابلی جویانه» خواند. برای کیم، خلع سلاح و هم‌زیستی اهدافی ناسازگار هستند و تا زمانی که اولویت واشنگتن خلع سلاح یک‌جانبه باشد، هیچ شانس‌ی برای مذاکره وجود ندارد. نکته امیدوارکننده این است که خود ترامپ از زمان تحلیف، حتی یک بار هم در اظهاراتش خلع سلاح هسته‌ای را تأیید نکرده است که این امر روزه‌ای برای تغییر سیاست باقی می‌گذارد. تقویم سیاسی دو کشور در اوایل ۲۰۲۶ به شکلی نادر همسوی می‌شود. در پیونگ‌یانگ، کنگره حزب کارگران احتمالاً در ماه فوریه برگزار می‌شود که کیم در آن اولویت‌های جدید داخلی و خارجی خود را اعلام خواهد کرد و ممکن است دوباره به هم‌زیستی اشاره کند. در سمت آمریکا، ترامپ می‌تواند از سخنرانی سالانه «وضعیت کشور» در سال ۲۰۲۶ استفاده کند. رؤسای جمهور پیشین از این تریبون برای اعلام دکترین‌های بزرگ سیاست خارجی (مانند دکترین مونرو یا محور شرارت بوش) استفاده کرده‌اند. برخلاف اظهارات غیررسمی خطاب به خبرنگاران، یک بیانیه رسمی در این سطح که چارچوب «هم‌زیستی» را بپذیرد، می‌تواند اعتبار لازم برای متقاعد کردن کیم را داشته باشد و جایگزین نامه‌های بی‌حاصل شود.

مدیریت متحدان و واقع‌گرایی هرگونه تغییر در این سطح نیازمند مشورت دقیق با کره جنوبی و ژاپن است. نگرانی اصلی آن‌ها اعطای وضعیت هسته‌ای به کره شمالی است. با این حال، مسئله «وضعیت» (هسته‌ای) در بسیاری جهات موضوعی انحرافی است و نباید مانع تغییرات سیاسی شود. دولت آمریکا باید متحدانش را قانع کند که حفظ خلع سلاح صرفاً به عنوان یک آرمان بلندمدت و حذف آن از شروط فوری تعامل، برای کاهش ریسک و بهبود امنیت منطقه ضروری است. وضعیت موجود که در آن کره شمالی بدون هیچ مانعی زرادخانه خود را گسترش می‌دهد و همکاری نظامی با روسیه را عمیق‌تر می‌کند، عمیقاً نامطلوب و خطرناک است. واشنگتن باید به جای کوبیدن بر دربی که از سال ۲۰۱۹ قفل شده، به سمت دری حرکت کند که اندکی نیمه‌باز است. بازطراحی سیاست آمریکا در سال ۲۰۲۶ با محوریت هم‌زیستی و تعامل بی‌قید و شرط، اقدامی واقع‌گرایانه است که زمان آن خیلی وقت پیش فرارسیده است.